



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د. ۹، ش. ۶ (پیاپی ۴۸)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۲۴۱-۲۶۵

بررسی مناظرات حضرت ابراهیم در قرآن از منظر رویکرد

پرگما - دیالکتیک

ارسلان حسن‌پور دهنوی^۱، گیتی تاکی^۲، صاحبعلی اکبری^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۳. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

پذیرش: ۹۶/۹/۲۲

دریافت: ۹۶/۶/۴

چکیده

نوشتار حاضر تلاش می‌کند گفتمان استدلالی مناظرات حضرت ابراهیم^(ع) را با نمود، آزر، ستاره‌پرستان و بت‌پرستان در ترجمه قرآن بر اساس رویکرد پرگما - دیالکتیک بررسی و مقایسه کند. این رویکرد دارای مراحل چهارگانه رویارویی، باب‌گشایی، استدلالی و نتیجه‌گیری برای دفاع از یک دیدگاه فکری و متقاعد کردن طرف مقابل است. به منظور بررسی و مقایسه مناظرات حضرت ابراهیم^(ع) از جهت مراحل چهارگانه استدلال و نیز مقایسه کنش‌های گفتاری آن‌ها، آیه‌های مربوط به این مناظرات از تفسیر نمونه^(ع) مکارم، ۱۳۷۸؛ ۲: ۱۳۸۷؛ ۱۳) و کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن (حسینی، ۱۳۸۳) مشخص شدند. از آیات مزبور ۱۰۵ کنش گفتار استخراج و به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شد. داده‌ها نشان می‌دهد مراحل استدلال در مناظرات مختلف حضرت ابراهیم^(ع) با یکدیگر تفاوت دارد. گفت‌وگو با ستاره‌پرستان در مرحله رویارویی و باب‌گشایی از دیگر مناظره‌ها متمایز است؛ به این ترتیب که از یک طرف اختلاف‌نظر در مرحله رویارویی پنهان است و به تدریج در مرحله باب‌گشایی و استدلالی آشکار می‌شود و از طرف دیگر، دیدگاه در این گفت‌وگو دارای قالب منفرد یک‌طرفه است. علاوه بر این، آن حضرت از روش «دراماتیک» برای اقتناع ستاره‌پرستان و بت‌پرستان کمک گرفته است. در مورد کنش گفتارها نیز بسامد کاربرد کنش‌های گفتاری از سوی حضرت ابراهیم^(ع) و نیز نوع آن‌ها در مناظرات مختلف متفاوت است. همچنین، بررسی داده‌ها نشان می‌دهد، چنانچه این مدل در مراحل چهارگانه بخواند دربرگیرنده همه گفتمان‌های استدلالی باشد باید در مرحله نتیجه‌گیری، تعدیل‌هایی را در نظر بگیرد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، گفتمان استدلالی، پرگما - دیالکتیک، کنش گفتار، مناظرات حضرت ابراهیم^(ع).

E-mail: giti_taki2020@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

گفتمان، کاربرد زبان در موقعیت‌های مختلف است. به گفته پالتریج^۱ (2006) «گفتمان کاربرد واقعی زبان است که مردم واقعی آن را در دنیای واقعی به کار می‌برند». یکی از انواع گفتمان، گفتمان استدلالی^۲ است. استدلال بخشی از تعاملات زندگی روزمره ماست که در همه جای زندگی عادی و معمولی و از سوی همه گویشوران، از کودک تا بزرگسال به کار می‌رود. منظور از استدلال، دلیل آوردن برای اثبات یا رد یک ایده یا نظر است. در استدلال، شواهد و دلایلی برای مطلب خاصی ارائه می‌شود که مخاطب را اقناع کند. به این ترتیب، در صورتی که نقش گفتمان، استدلال باشد، گفتمان استدلالی است. به بیان دیگر:

گفتمان استدلالی، گفتمانی است که در آن گوینده سعی دارد از طریق دلیل و برهان، شنونده را در مورد نظری یا درست و نادرست بودن چیزی یا انجام کاری متقاعد کند یا با آوردن دلیل از ادعایی حمایت کند (تاکی، ۱۳۸۸: ۳).

تلاش تحلیلگران گفتمان استدلالی این است که بررسی استدلال‌های روزمره را از حصار منطق و چین صغری و کبراهای منطقی خارج کنند و آن را با رویکردهای زبانی بررسی کنند. یکی از این رویکردها، رویکرد پرگما - دیالکتیک است که نخستین بار ون امرن و خروتندورست^۳ (1970) آن را مطرح کرده‌اند. از دید آن‌ها، گفتمان استدلالی:

تلاشی است برای برطرف ساختن اختلاف نظر در خصوص یک دیدگاه خاص. این تلاش از سوی موافقان و مخالفان یک دیدگاه فکری صورت می‌گیرد و آن‌ها با آوردن استدلال‌های مناسب از موضع فکری خود دفاع می‌کنند (Van Emeran & Grootendorst, 2004: 520). رویکرد پرگما - دیالکتیک دارای مراحل چهارگانه رویارویی، باب‌گشایی، استدلالی و نتیجه‌گیری است که مشارکین یک دیدگاه فکری با توجه به بافت موقعیتی و آوردن استدلال حین گذر از این مراحل، تلاش می‌کنند تا از دیدگاه خود دفاع و طرف مقابل را متقاعد کنند.

در قرآن کریم هم پیامبران الهی برای هدایت قوم خود از گفتمان‌های استدلالی بهره می‌گرفتند. دو نکته در خصوص «گفتمان استدلالی» پیامبران با قوم خود مهم است: ۱. معمولاً گفتمان استدلالی پیامبران با قوم خود به صورت مکالمه است. ۲. در جریان این مکالمات، کنش‌های گفتاری^۴ مختلفی به کار رفته‌اند. با توجه به اینکه مدل پرگما - دیالکتیک^۵ هر دو جنبه را

در بدنه نظری خود دارد، در نوشتار حاضر مناظرات حضرت ابراهیم^(ع) در قرآن بر اساس این مدل تحلیل می‌شود تا معلوم گردد که ۱. مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع مخاطب در مناظرات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؟ ۲. کنش‌های گفتاری در مناظرات مختلف یکسان‌اند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها دو فرضیه برای پژوهش حاضر نیاز به بررسی دارد: ۱. مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع مخاطب در مناظرات مختلف حضرت ابراهیم^(ع) با یکدیگر تفاوت ندارند؟ ۲. کنش‌های گفتاری در مناظرات مختلف حضرت ابراهیم^(ع) یکسان نیستند.

جهت نیل به این هدف ترجمه گفت‌وگوهای استدلالی حضرت ابراهیم^(ع) با نمرود، آزر، ستاره‌پرستان و بت‌پرستان از *تفسیر نمونه* (مکارم، ۱۳۷۸: ۲؛ ۱۳۸۷: ۱۳) کتاب *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآنی* اثر حسینی (۱۳۸۲) استخراج و مراحل استدلالی و کنش‌های گفتاری آن‌ها با یکدیگر مقایسه شده است. از مجموع ۱۶۷ آیه در سوره‌های بقره، آل عمران، نسا، انعام، توبه، هود، ابراهیم، حجر، مریم، انبیا، حج، شعرا، عنکبوت، احزاب، صافات، ص، زخرف، ذاریات و حدید که داستان حضرت ابراهیم^(ع) را روایت کرده‌اند، به‌طور کلی ۶۱ آیه در قالب گفت‌وگو، کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(ع)، نمرود، آزر، ستاره‌پرستان و بت‌پرستان را در بر گرفته‌اند. از آیات مزبور ۱۰۵ کنش گفتار استخراج شده است که ۸۶ مورد از سوی حضرت ابراهیم^(ع) و ۱۹ مورد به ضد قهرمان‌ها (نمرود، آزر، بت‌پرستان و ستاره‌پرستان) تعلق دارد. کنش‌های گفتاری استخراج‌شده به روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مراحل چهارگانه مدل پرگما - دیالکتیک و نظریه کنش گفتاری سرل (1969) بررسی و تحلیل شده‌اند.

مقاله حاضر بعد از مقدمه دارای بخش پیشینه در قسمت دوم، بخش چارچوب نظری در قسمت سوم، بررسی داده‌ها و نتیجه‌گیری در قسمت‌های چهارم و پنجم است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی سیر مطالعات در مورد گفتمان استدلالی نشان می‌دهد که کتاب *کاربردهای استدلال* تالمن^۱ (1958) و کتاب *بلاغت جدید*^۲ حاصل تلاش مشترک پرلن و البرشت تیتکا^۳ (1965) به‌عنوان نقطه آغاز مطالعات جدید استدلال در زبان روزمره یا گفتمان استدلالی، محسوب می‌شوند. تولد، رشد و بالندگی رویکرد پرگما - دیالکتیک نیز مرهون همت ون امرن و

خروتندورست در سال‌های ۱۹۷۰ است که در دانشگاه آمستردام هلند به محافل علمی زبان‌شناختی و مطالعات استدلالی و تحلیل کلام معرفی شد (Van Emeran et al:2014). رویکرد مذکور از آن زمان تاکنون جرح و تعدیل‌هایی داشته و در میان دیگر رویکردهای گفتمان استدلالی رشد اعجاب‌برانگیزی یافته است.

از نظر کاربرد، مدل پرگما - دیالکتیک از جمله در حوزه‌های حقوقی، سیاسی، پزشکی و دانشگاهی از سوی افراد مختلفی در قالب رساله‌های دکتری و دیگر پروژه‌های علمی در عمل استفاده شده است (ibid: 519); اما رویکرد مذکور در ایران ناشناخته مانده و در هیچ حوزه‌ای از آن استفاده نشده است.

از نظر کاربرد نظریه‌های استدلال‌ورزی، می‌توان به اعتباری (۱۳۹۲) اشاره کرد. وی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با بهره‌گیری از طرح‌های استدلالی به تحلیل انتقادی مبحث «حجاب» در ایران پرداخته است. پیش‌قدم و عطاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با استفاده از مدل تالمن (1958) به بررسی کنش‌گفتاری استدلال در حوزه تبلیغات پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش نشان داده‌اند که تبلیغات فارسی بر «ادعا» متمرکز است، در صورتی که تبلیغات انگلیسی‌زبان بر «داده» استوار است.

برخی مطالعات قرآنی نیز به بررسی کنش‌های گفتاری قرآن از دیدگاه آستین و سرل پرداخته‌اند. از جمله این موارد می‌توان به عباسی (۱۳۹۲) اشاره کرد که به بررسی بسامد و نقش‌های مختلف کنش‌های گفتاری سرل در جزء ۳۰ قرآن پرداخته است. حسینی معصوم و رادمرد (۱۳۹۳) نیز به بررسی بسامد کنش‌های گفتاری در سوره‌های مکی و مدنی پرداخته‌اند. تحقیقات مشابه دیگری همچون حسینی معصوم و رادمرد (۱۳۹۳)، پیشوایی علوی و پناهی (۱۳۹۳) و ویسی و اورکی (۱۳۹۴) نیز صورت گرفته است؛ ولی تاکنون در هیچ یک از مطالعات قرآنی از رویکرد تلفیقی پرگما - دیالکتیک استفاده نشده است و برای نخستین‌بار در نوشتار حاضر این رویکرد برای تحلیل مناظرات حضرت ابراهیم^(ع) استفاده می‌شود. تفاوت پژوهش حاضر از نظر بررسی کنش‌های گفتاری در قرآن نیز باب‌گشایی رهیافتی نو در این زمینه است که از یک‌سو بر نوع خاصی از گفتمان، یعنی استدلالی متمرکز شده و از سوی دیگر با استفاده از رویکردی مناسب در این حوزه و توزیع کنش‌ها در چهار مرحله، دریچه‌هایی برای تحقیق و بررسی در حوزه‌های تفسیر و علوم قرآنی ایجاد کرده است.

۳. چارچوب نظری

ون امرن و خروتندورست در سال ۱۹۸۲ از رسالهٔ دکتری خود دفاع کردند و در سال ۱۹۸۴ آن را با عنوان «کنش‌های گفتاری در مباحث استدلالی» به زبان انگلیسی منتشر کردند. در همین اثر بود که آن‌ها برای نخستین‌بار نظریهٔ رویکرد پرگما - دیالکتیک را مطرح و از آن دفاع کردند (Eveline et al: 2011). این رویکرد چارچوب پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

۳-۱. بخش‌های اصلی رویکرد پرگما - دیالکتیک

رویکرد پرگما - دیالکتیک دارای دو بخش اصلی است: بخش دیالکتیک و بخش پرگماتیک. ون امرن و همکاران (2007) این دو بُعد را به تفکیک آورده‌اند.

۳-۱-۱. بخش دیالکتیک

بخش نخست رویکرد پرگما - دیالکتیک در قالب «مدل ایده‌آل بحث انتقادی» است که دارای مراحل چهارگانه‌ای است که طرفین موافق و مخالف هر دیدگاه فکری^۱ با بیان دیدگاه‌ها و آوردن استدلال و دفاع از نظر خود تلاش می‌کنند که طرف مقابل را متقاعد کنند تا دیدگاه آن‌ها را بپذیرد. این مراحل عبارت‌اند از:

مرحلهٔ اول: رویارویی^{۱۱}. در این مرحله اختلاف‌نظر یا عقیده بروز می‌کند و یک یا چند دیدگاه در مخالفت با یکدیگر قرار می‌گیرند. اگر چنین رویارویی نباشد هیچ نیازی برای یک بحث انتقادی نیست؛ زیرا اختلاف‌نظری نیست که لازم باشد حل شود. در گفتمان استدلالی، مرحلهٔ رویارویی متناظر است با آن قسمت‌هایی از گفتمان که مشخص می‌شود یک دیدگاه با تردید طرف مقابل در یک مباحثه مواجه شده است، به‌طوری که اختلاف‌نظر رخ می‌دهد یا انتظار می‌رود که چنین اختلاف‌نظری اتفاق بیفتد (Van Emeran et al, 2014: 529).

ساده‌ترین نوع اختلاف‌نظر هنگامی است که یک دیدگاه مورد شک طرف مقابل واقع می‌شود و از آنجا که این اختلاف‌نظر فقط یک گزاره را در بر می‌گیرد، به آن دیدگاه منفرد یا ساده گفته می‌شود که به‌صورت مثبت و یا منفی است (Van Emeran et al, 2002). اگر چنانچه بیش از یک گزاره مورد اختلاف طرفین باشد، اختلاف دیدگاه چندگانه را داریم.

مرحله دوم: باب‌گشایی^{۱۲}. در این مرحله، تقسیم نقش‌های قهرمان و ضدقهرمان با توافق طرفین صورت می‌گیرد، تعهدات طرفین مشخص می‌شود و قهرمان ملزم است از دیدگاه خود دفاع کند؛ در صورتی که ضدقهرمان ملزم است به شکل انتقادی در مقابل دفاع قهرمان از دیدگاهش پاسخ گوید (Van Emeran et al, 2014: 529).

مرحله سوم: استدلال‌ورزی^{۱۳}. در این مرحله، قهرمان از دیدگاه خود در برابر پرسش‌های انتقادی ضدقهرمان دفاع می‌کند. اگر ضدقهرمان متقاعد نشد استدلال‌ورزی بیشتری از جانب قهرمان در قبال عکس‌العمل‌های ضدقهرمان صورت می‌گیرد. در نتیجه، ساختار استدلال از ساده و منفرد تا پیچیده می‌تواند در نوسان باشد (*ibid*). چگونگی این ساختار به چگونگی دفاع و پاسخ‌گویی به حریف وابسته است. اگر در یک بحث استدلالی حریف درباره پذیرش یک استدلال خاصی شک کند، این شک ممکن است به دو گونه باشد: شک درباره محتوای گزاره‌ای و یا شک درباره قدرت توجیهی و استدلالی. در بیشتر موارد حریف صرفاً نشان می‌دهد که استدلال مطرح‌شده پذیرفتنی نیست و از مرحله شک جلوتر نمی‌رود؛ ولی ممکن است علاوه بر اظهار شک، چرایی آن را نیز با آوردن استدلال نشان دهد. در این جاست که او دیدگاه خود را متقابلاً ارائه می‌دهد و ساختار استدلال پیچیده می‌شود. گاهی مشارکین ممکن است بیشتر از یک‌بار اقدام به دفاع از دیدگاه خود کنند در اینجا استدلال به‌کار رفته از نوع استدلال ترکیبی است. (Van Emeran et al: 2007).

مرحله چهارم: نتیجه‌گیری^{۱۴}. در این مرحله مشارکین در گفت‌وگو استدلالی به مرحله تصمیم‌گیری درباره تلاشی می‌رسند که طی فرایند حل اختلاف‌نظر انجام داده‌اند. اختلاف‌نظر هنگامی برطرف شده است که طرفین به این نتیجه برسند که یا دیدگاه قهرمان پذیرفتنی است یا دیدگاه ضدقهرمان (*ibid*).

هر استدلال بر اساس یک طرح^{۱۵} است. در واقع، هر طرح رابطه خاصی بین استدلال و دیدگاه فکری مرتبط با آن ایجاد می‌کند. رویکرد پرگما - دیالکتیک بر اساس این رابطه بین استدلال و دیدگاه مرتبط با آن، سه نوع استدلال را شناسایی می‌کند که هر کدام طرح مخصوص به خود را دارد (Van Emeran et al: 2007: 103). این سه نوع عبارت‌اند از:

۱. استدلال مبتنی بر مقایسه: قهرمان داستان تلاش می‌کند که با استفاده از مقایسه کردن

دو مورد (شخص، چیز، موضوع و...) طرف مقابل را با نظر خود همسو کند.
 ۲. استدلال مبتنی بر علت: در اینجا رابطه علیت مورد استفاده قرار می‌گیرد.
 ۳. استدلال مبتنی بر نشانه: در اینجا مجموعه‌ای از نشانه‌ها در کنار هم مبنای قضاوت قرار می‌گیرند. برای مثال مشخصه‌هایی از قبیل صحبت کردن به زبان فارسی، رنگ و نژاد، نوع لباس و مذهب می‌توانند نشانه ایرانی بودن باشند.

۳-۱-۲. بخش پرگماتیک

در بخش کاربردشناختی، ون امرن و خروتندورست کنش‌های گفتاری سرل را در الگوی خود تلفیق کرده‌اند. به این ترتیب که در هر کدام از مراحل چهارگانه بخش دیالکتیک، حرکت‌های استدلالی^{۱۶} را به‌عنوان کنش‌های گفتاری در نظر گرفته‌اند. منظور از حرکت‌های استدلالی یکی بیان دیدگاه فکری در خصوص یک موضوع از جانب مشارکین در بحث و گفتمان استدلالی است و دیگری کاربرد استدلال برای دفاع از آن دیدگاه فکری. برای مثال عبارتی مانند: «به نظر من» نشان‌دهنده دیدگاه فکری مشارکین و کاربرد عبارتی نظیر «به این دلیل» نشان‌دهنده به‌کارگیری استدلال در دفاع از یک دیدگاه است (*ibid*). در الگوی پرگما - دیالکتیک حرکت‌های استدلالی به‌صورت کنش‌های گفتاری بررسی می‌شوند.

کنش‌های گفتاری سرل در پنج گروه طبقه‌بندی شده‌اند: ۱. کنش‌های گفتاری اظهاری که تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره نشان می‌دهند. ۲. کنش‌های گفتاری ترغیبی که به ترغیب مخاطب برای انجام کاری می‌پردازند. ۳. کنش‌های گفتاری تعهدی که گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و ... متعهد می‌شود که در آینده کاری انجام دهد. ۴. کنش‌های گفتاری‌های عاطفی که گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک و ناسزا و جز آن بیان می‌کند. ۵. کنش‌های گفتاری اعلامی که گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب اعلام می‌کند (صفوی، ۱۳۷۹).

در الگوی پرگما - دیالکتیک، توزیع این کنش‌های گفتاری در مراحل چهارگانه بخش دیالکتیک است. بر اساس دیدگاه ون امرن و همکاران (۲۰۰۷) کنش‌های گفتاری عاطفی، نقش سازنده‌ای در حل اختلاف‌نظر مشارکین در گفتمان استدلالی ندارند؛ ولی ممکن است به‌طور

غیرمستقیم در پیشبرد فرایند استدلال نقش داشته باشند. از نظر آن‌ها کنش‌های گفتاری دیگر تقریباً به یک میزان در مراحل چهارگانه فرایند استدلال به کار می‌روند.

۳-۲. بافت استدلال

به طور کلی گفتمان نمی‌تواند جدای از بافت و مشارکین بررسی شود. گای کوک^{۱۷} (۱۳۸۹: ۵۸) بر این باور است که عوامل متعددی از قبیل لحن، صدا و حالت چهره، نوع رابطه بین سخنگویان زبان، سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی آنان، زمان و مکان و بالاخره میزان پیش‌زمینه فرهنگی سخن‌گویان زبان در تعبیر هر تعامل واقعی لحاظ می‌شود. مجموعه این عوامل را بافت می‌نامند. ضیا حسینی (۱۳۹۱: ۳۰ - ۳۵) بر این باور است که بافت به معنی بستر سخن است که متن در آن واقع شده است و اشاره به همه عوامل فرازبانی دارد که به نحوی بر متن تأثیرگذار هستند. عواملی از قبیل ویژگی‌های طرفین، رسانه پیام، هدف ارتباط و

۳-۳. طرح راهبردی

ون امرن و همکاران (۲۰۱۴) بر این باور هستند که از عمده‌ترین تحولاتی که به لحاظ نظری صورت گرفته است، اقدامی است که ون امرن و هاتلوسر^{۱۸} در راستای تقویت پیوند پرگما - دیالکتیک با واقعیت استدلالی انجام دادند. آن‌ها «طرح راهبردی» را وارد نظریه خود کردند تا با افزایش ابزارهای آن توان رویکرد مزبور را برای تحلیل عمیق‌تر و واقعی‌تر گفتمان‌های استدلالی افزایش دهند. ون امرن (۲۰۱۰: ۶۰۱) مفهوم مانور راهبردی را با پیشنهاد مثلث مانور راهبردی تصویرسازی کرده است. در این مثلث سه جنبه مانور راهبردی نمایش داده شده است که به شدت به هم وابسته‌اند:

۱. انتخاب موضوع: از میان موضوعات متناظر و مرتبط، موضوعی برای گفتمان استدلالی انتخاب می‌شود.
۲. نیاز مخاطب: بر اساس نیاز شنونده یا خواننده، گوینده گفتمان را مناسب‌سازی می‌کند و
۳. ابزارهای ارائه: برای ارائه موضوع ابزارهای مناسبی به کار گرفته می‌شوند.

۴. تحلیل و بررسی داده‌ها

بر اساس پژوهش حسینی (۱۳۸۲)، به‌طور کلی قصه حضرت ابراهیم^(ع) شامل ۱۶۷ آیه از قرآن کریم است. در بررسی حاضر، آیاتی از سوره‌های مبارکه بقره (۲۵۸)، انعام (۷۴ - ۷۹)، مریم (۴۲ - ۴۶) و انبیا (۵۱ - ۷۰) که در بردارنده مناظرات حضرت ابراهیم^(ع) هستند، برای تحلیل استخراج شده‌اند.

۴-۱. گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با نمرود

گفت‌وگوی مزبور در آیه ۲۵۸ سوره مبارکه بقره آمده است که از دو جنبه تحلیل دیالکتیک و کاربردشناختی بررسی می‌شود.

۴-۱-۱. تحلیل دیالکتیکی

این گفت‌وگو از نظر تحلیل دیالکتیکی دارای چهار مرحله است. در مرحله رویارویی، دیدگاه‌های توحید و شرک رودرروی هم قرار گرفته‌اند. هر دو دیدگاه به‌صورت صریح بیان شده‌اند و اثباتی هستند. به‌علاوه دیدگاه مزبور در این مرحله دارای قالب تلفیقی است. در مرحله باب-گشایی، حضرت ابراهیم^(ع) در نقش قهرمان توحیدی با حرکت استدلالی صریح پروردگار خود را معرفی می‌کند: «خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند». و نمرود هم در نقش ضدقهرمان دیدگاه مخالف خود را به‌صورت صریح بیان می‌کند: «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم». در مرحله استدلال‌ورزی، حضرت ابراهیم^(ع) با استفاده از طرح مقایسه گفتمان قدرت به استدلال‌ورزی می‌پردازد. ابراهیم^(ع) گفت: «خداوند خورشید را از افق مشرق می‌آورد. (اگر راست می‌گویی...) خورشید را از مغرب بیاور». در مرحله نتیجه‌گیری، نمرود از برآوردن خورشید از مغرب عاجز ماند و مبهوت شد. با توجه به حرکت‌های استدلالی در گفت‌وگوی مزبور شیوه‌ای که حضرت ابراهیم^(ع) برای اقناع مخاطب انتخاب کرده است درخور تأمل است. به‌کارگیری طرح استدلالی «مقایسه‌ای» گفتمان قدرت از سوی حضرت ابراهیم^(ع)، نمرود را که ادعای الوهیت می‌کرد، وادار کرد تا در گفتمان قدرت وارد عمل شود که نتیجه‌ای جز بهت و سکوت برای او در برداشت.

۴-۱-۲. تحلیل کاربردشناختی

از نظر کاربردشناختی، مشارکین در گفتمان، بافت موقعیتی و کنش‌های گفتاری در تحلیل بسیار اهمیت دارند. مشارکین در گفتمان حضرت ابراهیم^(ع) با نمرود عبارت‌اند از: الف) حضرت ابراهیم: آیه ۷۵ سوره انعام به ویژگی «دارای یقین» و آیه ۴۱ سوره مریم به ویژگی‌های «بسیار راست‌گو و پیامبر خدا بودن» در مورد وی اشاره می‌کند. ب) نمرود: مکارم و همکاران (۱۳۸۷: ۳۴۰) در معرفی شخصیت او گفته‌اند که جبار آن زمان مدعی الوهیت بود، نه تنها به این معنی که او را پرستش کنند؛ بلکه علاوه بر این، نمرود خود را آفریدگار عالم هستی نیز معرفی می‌کرد. از نظر بافت موقعیت، مکارم و همکاران (۱۳۷۸: ۳۴۰) درباره زمان وقوع این رویداد بر این باور هستند که این جریان بعد از بت‌شکنی حضرت ابراهیم^(ع) و نجات او از آتش بوده است؛ زیرا قبل از به آتش افکندن ابراهیم^(ع) مجالی برای این گفت‌وگوها نبوده است و اصولاً بت‌پرستان حق چنین مباحثه‌ای را به او نمی‌دادند. از نظر توزیع کنش‌های گفتاری، تلفیق مراحل چهارگانه با کنش‌های گفتاری متناظر با آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: توزیع کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با نمرود (بقره/۲۵۸)

Table 1: Distribution of speech acts in Abraham and Nimrod's dialogue (Al-Baqara 2/258)

مراحل استدلال	کنش‌های گفتاری
۱. مرحله رویارویی	دیدگاه توحید: کنش گفتاری ترغیبی: ای نمرود! خدای یگانه را پرستش کن. دیدگاه شرک: کنش اظهاری: من خدای مردم و جهان هستم.
۲. مرحله باب‌گشایی	نمرود: کنش ترغیبی: ای ابراهیم! خدای تو کیست؟ حضرت ابراهیم ^(ع) : کنش گفتاری اظهاری: پروردگار من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. نمرود کنش گفتاری اظهاری: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم.
۳. مرحله استدلالی	کنش اظهاری و ترغیبی «خداوند خورشید را از افق مشرق می‌آورد: (اگر راست می‌گویی که حاکم بر جهان هستی تویی)، خورشید را از مغرب بیاور».
۴. مرحله نتیجه‌گیری	کنش گفتاری پس‌بیانی: آن مرد کافر میهوت و وامانده شد.

جدول ۲: بسامد کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با نمرود (بقره/۲/۲۵۸)

Table 2: Frequency of speech acts in in Abraham and Nimrod's dialogue.

Al -Baqara (2/258)

کنش گفتاری	بسامد(قهرمان)	درصد	بسامد(ضدقهرمان)	درصد
اظهاری	۳	۵۰٪	۲	۳۳/۳۳٪
ترغیبی	۱	۱۶/۶۶٪	۰	۰
اعلامی	۰		۰	۰
تعهدی	۰		۰	۰
عاطفی	۰		۰	۰

کنش‌های حضرت ابراهیم^(ع) در نقش قهرمان دو برابر کنش‌های نمرود است. مرحله نتیجه‌گیری با کنش پس بیانی «بهت و سکوت» نشان داده شده است.

۴-۲. گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با آزر

آیات مورد بررسی از سوره مریم (۴۲ - ۴۷) است.

۴-۲-۱. تحلیل دیالکتیکی

این گفت‌وگو نیز دارای چهار مرحله است. در مرحله رویارویی، دیدگاه توحید و شرک رودرروی هم‌اند. از آنجا که بعد از بیان دیدگاه توحیدی حضرت ابراهیم^(ع)، آزر در مقام دفاع از دیدگاه بت‌پرستی خود، نه تنها شک می‌کند؛ بلکه دیدگاه مخالفت خود را در قالب آیه ۴۶ بیان می‌کند، پس دیدگاه تلفیقی داریم. در مرحله باب‌گشایی، حضرت ابراهیم^(ع) در قالب چهار آیه به تفصیل دیدگاه خود را بیان می‌کند و آزر نیز با مخالفت خود در آیه ۴۶ از دیدگاه خود دفاع می‌کند. در مرحله استدلالی، حضرت ابراهیم^(ع) از طرح استدلال مبتنی بر علت استفاده کرده است. نقش‌نمای «چرا» در آیه ۴۲، نقش‌نمای محذوف «به این دلیل که» و نقش‌نمای صریح «بنابراین» در آیه ۴۳، و نقش‌نمای «در نتیجه» در آیه ۴۵ نشان‌دهنده این نوع استدلال هستند. در مقابل استدلال‌های حضرت ابراهیم^(ع)، آزر هیچ‌گونه استدلالی برای دفاع از بت‌ها نمی‌آورد. در مرحله نتیجه‌گیری، آزر نه تنها متقاعد نمی‌شود؛ بلکه به جای دفاع از دیدگاه خود در پاسخ به

استدلال‌های متعدد حضرت ابراهیم^(ع)، از سنگسار کردن او سخن می‌گوید.

۴-۲-۲. تحلیل کاربردشناختی

الف) مشارکین: حضرت ابراهیم و آزر. مکارم شیرازی و همکاران (۹۴:۱۳۸۷) در معرفی آزر گفته‌اند: «طبق روایات، آزر مردی بت‌پرست و بت‌تراش بوده، عموی حضرت ابراهیم^(ع) و از نظر سن بسیار بزرگ‌تر از حضرت ابراهیم بوده است.» ب) بافت موقعیت: در حقیقت حضرت ابراهیم^(ع) دعوتش را از عموی خود شروع می‌کند. به این دلیل که نفوذ در نزدیکان لازم‌تر است. ج) توزیع کنش‌های گفتاری: کنش‌های گفتاری به‌کاررفته در مراحل چهارگانه در قالب جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: توزیع کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(ع) با آزر (مریم/۱۹:۴۲-۴۷)

Table 3: Distribution of speech acts in Abraham and Azar's dialogue.
(Al-Maryam :19/42-47)

مراحل استدلال	کنش‌های گفتاری
۱. مرحله رویارویی	دیدگاه توحیدکنش گفتاری ترغیبی: ای پدر! بت‌ها را پرستش نکن. دیدگاه شرک: کنش ترغیبی: ای ابراهیم! از پرستش بت‌ها روی‌گردان مباش.
۲. مرحله باب‌گشایی	ابراهیم: کنش گفتاری ترغیبی (۱): ای پدر! چرا چیزی را پرستش می‌کنی که نه می‌بیند و نه می‌شنود و نه مشکلی را از تو حل می‌کند؟ کنش گفتاری ترغیبی و اظهاری (۲): ای پدر! دانشی برای من آمده است که برای تو نیامده. بنابراین، از من پیروی کن. کنش گفتاری ترغیبی (۳): ای پدر شیطان را پرستش نکن.
۳. استدلالی	کنش عاطفی: ای پدر! من برای تو از خدای رحمان می‌ترسم که عذابی به تو برسد. آزر: کنش گفتاری ترغیبی: دست از کارت بردار.
۴. مرحله نتیجه‌گیری	آزر: کنش اعلامی و عاطفی منفی: تو را سنگسار می‌کنم. ابراهیم کنش عاطفی مثبت: سلام بر تو.

گفتنی است در جدول ۳ مراحل باب‌گشایی و استدلالی با هم آورده شده‌اند؛ زیرا درعین حال که نخستین کنش گفتار، پرسشی است و ترغیبی محسوب می‌شود، دارای این استدلال نیز هست که چون بت‌ها نمی‌بینند و نمی‌شنوند شایسته پرستش نیستند و کنش گفتار دوم در عین امری بودن استدلالی نیز هست؛ «چون برای من دانشی است که تو نداری پس از من پیروی کن». در

جدول ۴: بسامد کنش‌های گفتاری گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با آزر نشان داده شده است.

جدول ۴: بسامد کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(ع) با آزر (انعام/۶/۷۴)، (مریم/۱۹/۴۲ - ۴۷)

Table 4: Frequency of speech acts in Abraham and Azar's dialogue
(Al-an'am 6/74)
(Al-Maryam 19/ 42-47)

کنش گفتاری	بسامد قهرمان	درصد	بسامد (ضدقهرمان)	درصد
اظهاری	۳	٪۲۱/۴۲	۰	۰
ترغیبی	۳	٪۲۱/۴۲	۲	٪۱۴/۲۸
اعلامی	۰	۰	۱	٪۷/۱۴
تعهدی	۱	٪۷/۱۴	۰	۰
عاطفی	۳	٪۲۱/۴۲	۱	٪۷/۱۴

با توجه به جدول‌های ۱ تا ۴ در خصوص مانور راهبردی حضرت ابراهیم^(ع) نکته‌های ذیل قابل تأمل است: ۱. میزان کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(ع) بیش از دو برابر کنش‌های آزر است. ۲. کنش اظهاری از سوی آزر به کار نرفته است و این امر نشان‌دهنده خلأ دیدگاه فکری، یعنی جایگزینی استدلال و تعقل با تعصب است، در صورتی که حضرت ابراهیم^(ع) مرحله باب-گشایی و استدلالی را با همین کنش‌های اظهاری ترکیب کرده است. ۳. استفاده از کنش عاطفی مثبت «دروود بر تو» از سوی حضرت ابراهیم^(ع) نشان‌دهنده ادب و احترام حضرت ابراهیم^(ع) به آزر است و به همین دلیل تعداد کنش‌های اظهاری که بیان‌کننده دیدگاه است، نشان‌دهنده میزان تلاش آن حضرت است تا آزر را به توحید ترغیب کند و باز به همین میزان، از کنش عاطفی مثبت استفاده می‌کند تا محبت خود را به آزر نشان دهد. به‌کارگیری کنش تعهدی از سوی حضرت ابراهیم^(ع) در واقع کامل‌کننده این تلاش است.

۳-۴. گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با ستاره‌پرستان

این گفت‌وگو در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام آمده است.

۴-۳-۱. تحلیل دیالکتیکی

این گفت‌وگو نیز دارای چهار مرحله است. در مرحله رویارویی، دو دیدگاه توحید و ستاره‌پرستی در تقابل با هم قرار گرفته‌اند؛ اما چگونگی رویارویی غیرصریح و حساب‌شده است. در اینجا بیان اختلاف‌نظر از جانب حضرت ابراهیم^(ع) به صورت مراحل سه‌گانه به‌طور تدریجی ابراز می‌شود. در مرحله باب‌گشایی، حضرت ابراهیم^(ع) به‌عنوان قهرمان و ستاره‌پرستان در نقش ضدقهرمان هستند. در مرحله استدلالی حضرت ابراهیم^(ع) سه بار استدلال کرده است. از نظر طرح استدلال، حضرت ابراهیم^(ع) به‌طور تلفیقی هم از طرح استدلال علی و هم از طرح استدلال مبتنی بر نشانه استفاده کرده است. «طرح استدلال علی» هنگامی است که می‌گوید «من افول‌کنندگان را دوست ندارم». در واقع، به‌صورت تلویحی می‌گوید «پس ستاره را پرستش نمی‌کنم، چون افول می‌کند». خوانش طرح مبتنی بر نشانه، در این مرحله دارای دو زاویه است: زاویه نگاه ستاره‌پرستان و زاویه نگاه حضرت ابراهیم^(ع). از نظر ستاره‌پرستان، ستاره، ماه و خورشید هر کدام مظهر «خدا» محسوب می‌شوند و بنابراین ستاره‌پرستان آن‌ها را پرستش می‌کنند؛ در صورتی که حضرت ابراهیم^(ع) هر سه را به‌دلیل داشتن «نشانه افول کردن» شایسته پرستش نمی‌داند. پس از نظر حضرت ابراهیم^(ع) این‌ها فقط نشانه وجود خدا هستند. در مرحله نتیجه‌گیری موافقت و یا مخالفت ستاره‌پرستان نیامده است. همین که مخالفان دلیلی برای دیدگاه خود عنوان نکرده‌اند مشخص می‌کند که دیدگاه توحیدی حضرت ابراهیم^(ع) غالب است.

۴-۳-۲. تحلیل کاربردشناختی

الف) مشارکین: حضرت ابراهیم^(ع) و ستاره‌پرستان. حضرت ابراهیم^(ع) بعد از مبارزات سخت با بت‌پرستان در بابل رو به سوی شام نهاد که با ستاره‌پرستان و خورشیدپرستان برخورد کرد. ب) بافت موقعیتی: فلاح‌پور (۱۳۷۳) درباره طول مدت‌زمان این مناظره که یک شبانه‌روز به‌طول انجامید، می‌گوید: «این مناظره با پایان یافتن روز و فرارسیدن تاریکی شب در میان مردم جاهلی که آماده خضوع و پرستش پرنورترین و زیباترین ستاره، یعنی زهره، که در میان آن‌ها معروف به اله «عشتار» بود، آغاز شد». ج) توزیع کنش‌های گفتاری: در مرحله رویارویی، حضرت ابراهیم^(ع) ظاهراً در جمع ستاره‌پرستان قرار گرفته است. در مرحله باب‌گشایی، حضرت

ابراهیم^(ع) از موقعیت زمانی استفاده کرد و ایجاد پیوند بین کنش گفتاری با زمان نوعی مانور راهبردی از سوی حضرت ابراهیم^(ع) است. در مرحله سوم کنش گفتاری اعلامی و عاطفی منفی از جانب حضرت ابراهیم^(ع) با افول کردن ستاره، ماه و خورشید مراحل استدلال تدریجی را فراهم می‌آورد. در مرحله نتیجه‌گیری، کنش گفتاری که دال بر متقاعد شدن ستاره‌پرستان است، بر حسب ظاهر وجود ندارد و آن‌ها سکوت کردند.

جدول ۵: توزیع کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(ع) با ستاره‌پرستان (انعام/۶/۷۶ - ۷۹)

Table 5: Distribution of Abraham's speech acts with starworshippers (Al-An'am 6/76-79)

مراحل استدلال	کنش‌های گفتاری
۱. مرحله دیگاه توحید: (برحسب ظاهر) حضرت ابراهیم: کنش گفتاری اظهاری: من ستاره می‌پرستم. ستاره‌پرستان: کنش گفتاری اظهاری غیرصریح: ما ستاره می‌پرستیم.	رویارویی
۲. مرحله باب گشایی	حضرت ابراهیم: کنش اظهاری (۱): این ستاره خدای من است. کنش اظهاری (۲): این (ماه) خدای من است. کنش اظهاری (۳): خورشید خدای من است.
۳. مرحله استدلالی	حضرت ابراهیم: کنش عاطفی و اعلامی: «من افول‌کنندگان را دوست ندارم». کنش اظهاری: اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند مسلماً از گمراهان خواهم بود. کنش اعلامی و عاطفی منفی: ای مردم من از شریک‌هایی که شما برای خدا می‌سازید بیزارم. ستاره‌پرستان: ---
۴. مرحله نتیجه‌گیری	کنش گفتاری پس‌بیانی ستاره‌پرستان: سکوت.

جدول ۶: بسامد کنش‌های گفتاری در گفت‌وگویی حضرت ابراهیم^(ع) با ستاره‌پرستان (انعام/۶/۷۶ - ۷۹)

Table 6: Frequency of speech acts in Abraham's dialogue with starworshiper

کنش گفتاری	بسامد (قهرمان)	درصد	بسامد (ضدقهرمان)	درصد
اظهاری	۱۰	٪۴۲/۴۷	۰	۰
ترغیبی	۳	٪۱۳/۰۴	۰	۰
اعلامی	۷	٪۳۰/۴۳	۰	۰
تعهدی	۰	۰	۰	۰
عاطفی	۳	٪۱۳/۰۴	۰	۰

با نگاهی به مراحل دیالکتیکی و کنش‌های گفتاری در گفت‌وگو با ستاره‌پرستان، بارزترین وجه مانور راهبردی با مخاطب «دراماتیک بودن» این مناظره است. حضرت ابراهیم^(ع) با وارد کردن مؤلفه‌ی زمان از یک‌سو و استفاده از استدلال برون‌زبانی از سوی دیگر مخاطب را دعوت به تفکر می‌کند. آن حضرت تلاش می‌کند تا با «افول کردن» ماه، ستاره و خورشید به آن‌ها نشان دهد که این‌ها شایسته‌ی پرستش نیستند. کنش‌های گفتاری اعلامی در این مناظره وجه «دراماتیک بودن» را دوچندان می‌کند. حضرت ابراهیم^(ع) با به نمایش گذاشتن شخصیت پویا در تقابل با شخصیت «ایستا»، این تغییر عقیده از ستاره‌پرستی را در سه مرحله به اجرا می‌گذارد و در پایان هر مرحله با اعلام برائت، از شرک بیزاری می‌جوید و کنش گفتار اعلامی و عاطفی منفی را به هم درمی‌آمیزد. دو برابر بودن کنش‌های اظهاری در تقابل با ترغیبی و سکوت ستاره‌پرستان، از جنبه‌های غالب بودن استدلال حضرت ابراهیم^(ع) در این مناظره است.

۴-۴. گفت‌وگوی حضرت ابراهیم با بت‌پرستان

این گفت‌وگو در آیات ۵۱ تا ۷۰ سوره انبیا آمده است.

۴-۴-۱. تحلیل دیالکتیکی

مرحله‌ی رویارویی: در این گفت‌وگو دیدگاه تلفیقی وجود دارد که دربردارنده‌ی اختلاف‌نظر گفتمان توحیدی حضرت ابراهیم^(ع) با گفتمان شرک و بت‌پرستی است. هنگامی که حضرت ابراهیم^(ع) گفت: «این مجسمه‌های بی‌روحي که شما همواره پرستش می‌کنید چیست؟»، بت‌پرستان هم متقابلاً دیدگاه شرک‌آلود خود را بیان کرده‌اند. در مرحله‌ی استدلالی، مشرکان با طرح استدلالی مبتنی بر مقایسه، مبنی بر اینکه پدرانشان را دیده‌اند که بت می‌پرستند، استدلال می‌کنند. در پاسخ به این استدلال که بر اساس تقلید کورکورانه بود، حضرت ابراهیم^(ع) با تأکید بسیار زیاد گفت: «مسلماً هم شما و هم پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده‌اید». حضرت ابراهیم^(ع) با استفاده از طرح استدلالی نشانه‌شناختی به آن‌ها نشان می‌دهد که بت‌ها حتی توان سخن گفتن ندارند. در آیه ۶۳: «بلکه بزرگشان این کار را کرده باشد. از آن‌ها سؤال کنید اگر سخن می‌گویند؟» طرح استدلالی دیگر که حضرت از آن استفاده می‌کند، طرح استدلالی علی است. آیه ۶۶ دارای این طرح استدلالی است: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد و نه

زیانی می‌رساند؟». در مرحله نتیجه‌گیری، اگر لجاجت و تعصب آن‌ها نبود، استدلال‌های حضرت ابراهیم^(ع) را پذیرفته بودند. آیه ۶۴ و ۶۵ اشاره می‌کند که آن‌ها به وجدان خود بازگشتند و گفتند: «حقا که شما ستمگرید»؛ ولی با فراموشی وجدان خود خواهان به آتش افکندن حضرت ابراهیم^(ع) شدند.

۴-۲. تحلیل کاربردشناختی

مشارکین: الف) حضرت ابراهیم^(ع) که موقعیت مناسبی را با شکستن بت‌ها برای اقامه استدلال‌های خود در مقابله با بت‌پرستان ایجاد می‌کند و ب) بت‌پرستان.

بافت موقعیت: بت‌پرستان در هر سال روزی را برای بت‌ها عید می‌گرفتند. آن‌ها غذاهایی را در بت‌خانه حاضر می‌کردند و سپس دسته‌جمعی به بیرون می‌رفتند و در پایان روز به بت‌خانه باز می‌گشتند تا از آن غذاها که به اعتقادشان تبرک یافته بود بخورند. آن‌ها به ابراهیم^(ع) پیشنهاد دادند تا با آن‌ها برود؛ ولی او به عذر بیماری با آن‌ها نرفت. ابراهیم وارد بت‌خانه شد و همه بت‌ها را شکست و بت بزرگ را سالم نگه‌داشت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۶۹).

توزیع کنش‌های گفتاری: در مرحله رویارویی، بیان دیدگاه حضرت ابراهیم^(ع) به صورت یک پرسش رتوریک یا بلاغی و در قالب کنش گفتار ترغیبی است. در مرحله باب‌گشایی حضرت ابراهیم^(ع) با استفاده از ابزار تأکید به صورت کنش گفتار اظهاری آن‌ها را به خود آورد تا کمی فکر کنند. در مرحله استدلالی، بت‌پرستان و حضرت ابراهیم^(ع) از کنش گفتار ترغیبی استفاده کرده‌اند. در مرحله نتیجه‌گیری، کنش گفتار ترغیبی از جانب بت‌پرستان در آیه ۶۸ نشان می‌دهد که آن‌ها بیشتر بر دیدگاه باطل خود تأکید داشتند. کنش‌های گفتاری به‌کاررفته در مراحل چهارگانه در قالب جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: توزیع کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با بت پرستان (انبیاء/ ۲۱- ۵۰ - ۷۱)

Table 7: Distribution of speech acts in Abraham's dialogue with starworshippers.
(Al-Anbiya /21- 50-71)

مرحله استدلال	کنش‌های گفتاری
۱. مرحله رویارویی	دیدگاه توحید: کنش گفتاری ترغیبی: این مجسمه‌های بی‌روح را پرستش نکنید. دیدگاه بت‌پرستی: کنش گفتاری اظهاری: ما پدران خود را دیدیم که آن‌ها را پرستش می‌کنند.
۲. مرحله باب‌گشایی	حضرت ابراهیم: کنش اظهاری: مسلماً شما و هم پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده‌اید. بت پرستان: کنش ترغیبی: آیا مطلب حقی برای ما آورده‌ای یا شوخی می‌کنی؟ حضرت ابراهیم: کنش اظهاری: پروردگار شما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است که آن‌ها را ایجاد کرده است و من از گواهانم. کنش تعهدی: در غیاب شما نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان می‌کشم.
۲. مرحله استدلالی	بت پرستان: کنش گفتاری اظهاری: ما پدران خود را دیدیم که آن‌ها را پرستش می‌کنند. کنش گفتاری ترغیبی: تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای؟ حضرت ابراهیم: کنش ترغیبی: بلکه بزرگشان این کار را کرده باشد. از آن‌ها بپرسید اگر سخن می‌گویند. بت پرستان: کنش گفتاری اظهاری (با خود گفتند) حقا که شما ستمگرید. بت پرستان کنش گفتاری اظهاری: تو می‌دانی که این‌ها سخن نمی‌گویند. حضرت ابراهیم ^(ع) : کنش ترغیبی: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد و نه زبانی به شما می‌رساند؟ کنش عاطفی منفی: اف بر شما و آنچه جز خدا می‌پرستید. کنش ترغیبی: آیا اندیشه نمی‌کنید؟
۴. مرحله نتیجه‌گیری	بت پرستان: کنش گفتاری اعلامی و ترغیبی: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید اگر کاری از شما ساخته است؟ کنش گفتاری پس بیانی: سرانجام او را در آتش افکندند.

جدول ۸: بسامد کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با بت‌پرستان

(شعرا/۲۶/۷۰-۸۲)، (انبیا/۲۱/۵۱-۷۰)، (عنکبوت/۲۹/۱۶-۲۵) و (صافات/۳۷/۸۵-۹۹)

Table 8: Frequency of speech acts in Abraham's dialogue with starworshippers . (Al Sho'ara 26/ 70-82) , (Al – Anbiya 21/ 51-70) , (Al – Ankabut / 29- 16-25) , (Al – Safat 27/85-99)

کنش گفتاری	بسامد(قهرمان)	درصد	بسامد(ضدقهرمان)	درصد
اظهاری	۲۴	٪۳۵/۲۹	۷	٪۱۰/۲۹
ترغیبی	۲۰	٪۲۹/۴۱	۱۰	٪۱۴/۷۰
اعلامی	۳	٪۴/۴۱	۰	۰
تعهدی	۱	٪۱/۴۷	۰	۰
عاطفی	۳	٪۴/۴۱	۰	۰

بررسی مراحل استدلالی و کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوی مزبور حاکی از آن است که در این گفت‌وگو نیز مانند گفت‌وگو با ستاره‌پرستان «جنبهٔ دراماتیک بودن» بسیار شاخص می‌شود. در اولین حرکت استدلالی در آیهٔ ۸۵ سورهٔ صافات، حضرت ابراهیم^(ع) قوم خود را قانع کرد که بیمار است و در شهر ماند. وی در اقدامی انقلابی در غیاب قوم خود بت‌ها را شکست و تیر را روی شانهٔ بت بزرگ گذاشت و با به‌کارگیری طرح استدلالی «نشانه‌شناختی» مبنی بر اینکه این بت‌ها حتی نمی‌توانند سخن بگویند، آن‌ها را وادار به تفکر کرد. در آیهٔ ۵۷ انبیا، کنش تعهدی از سوی حضرت ابراهیم^(ع) وجود دارد. در آیهٔ ۵۸ انبیا و ۹۳ صافات، وی با شکستن بت‌ها به کنش گفتار تعهدی خود جامعهٔ عمل پوشاند و گفتمانی استدلالی را به نمایش گذاشت. در این مناظره با بت‌پرستان که در سوره‌های مختلف آمده است، مقایسهٔ کنش‌های گفتاری نشان می‌دهد که کنش گفتار اظهاری از سوی حضرت ابراهیم^(ع) با ۳۵/۲۹ درصد بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. او تقریباً بیش از سه برابر مشرکان از کنش گفتاری اظهاری استفاده کرده است.

۵. نتیجه

ون امرن و خروتندورست (2004) بر این باور هستند که هدف از کاربرد مدل پرگما - دیالکتیک حل کردن اختلاف‌نظر در یک موضوع خاص است و دارای مراحل چهارگانه‌ای است

که طرفین موافق و مخالف یک دیدگاه فکری با بیان دیدگاه‌ها و آوردن استدلال و دفاع از نظر خود تلاش می‌کنند تا طرف مقابل را متقاعد کنند. در نوشتار حاضر مسئله تحقیق در قالب این سؤالات بررسی شد: ۱. آیا مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع مخاطب در مناظرات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؟ ۲. آیا کنش‌های گفتاری در مناظرات مختلف یکسان‌اند؟ این پرسش‌ها از زوایای مختلف دیالکتیکی و کاربردشناختی تجزیه و تحلیل شد و نتایج ذیل به دست آمد.

با توجه به تحلیل گفت‌وگوهای استدلالی حضرت ابراهیم^(ع) براساس مدل پرگما - دیالکتیک، در خصوص مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع، بررسی حاضر نشان می‌دهد که مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع مخاطب در مناظرات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند. گفت‌وگو با ستاره‌پرستان از نظر مرحله رویارویی و باب‌گشایی از دیگر مناظره‌ها متمایز است. به این ترتیب که ۱. اختلاف نظر در مرحله رویارویی پنهان است و به تدریج در مرحله باب‌گشایی و استدلالی آشکار می‌شود. ۲. در گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با ستاره‌پرستان هیچ‌گونه کنش گفتاری از جانب آنان در متن گفت‌وگو برای مراحل مختلف وجود ندارد و آن‌ها در قبال استدلال‌های حضرت ابراهیم^(ع) با کنش گفتاری پس‌بیانی سکوت، به‌طور غیرصریح نتیجه گفت‌وگو را نشان داده‌اند. ۳. دیدگاه در این گفت‌وگو دارای قالب منفرد یک‌طرفه است. ۴. بارزترین وجه مانور راهبردی با مخاطب «دراماتیک بودن» این مناظره است. حضرت ابراهیم^(ع) با وارد کردن مؤلفه زمان از یکسو و استفاده از استدلال برون‌زبانی از سوی دیگر مخاطب را به تفکر دعوت می‌کند. آن حضرت تلاش می‌کند تا با اشاره به «افول کردن» ماه، ستاره و خورشید به آن‌ها نشان دهد که این‌ها شایسته پرستش نیستند. در مورد شیوه اقناع نیز حضرت ابراهیم^(ع) در مرحله سوم مناظرات برای دست یافتن به اقناع مخاطب با توجه به مخاطب و بافت، از طرح‌های استدلالی مقایسه‌ای و علی‌به‌ترتیب برای نمرود و آزر و از طرح استدلال نشانه‌شناختی و روش دراماتیک برای اقناع ستاره‌پرستان و بت‌پرستان استفاده کرده است. همه این موارد نشان می‌دهند که حضرت ابراهیم^(ع) از شیوه‌های اقناع متنوعی با توجه به مخاطب و بافت بهره گرفته است. مرحله نتیجه‌گیری نیز در گفت‌وگو با نمرود با کنش پس‌بیانی «بهت و سکوت»، در ستاره‌پرستان به صورت «سکوت»، در گفت‌وگو با آزر با کنش پس‌بیانی «سنگسار کردن» و در مناظره با بت‌پرستان با کنش پس‌بیانی «به آتش افکندن» نشان داده شده است. در نتیجه، اولین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع مخاطب در مناظرات مختلف

تفاوت ندارند، رد می‌شود.

از نظر کاربرد کنش‌های گفتاری، نوع و میزان کاربرد کنش‌ها در مناظرات مختلف متفاوت است. مثلاً در مناظره با نمرود تنها کنش اظهاری و ترغیبی استفاده شده است یا در گفت‌وگو با ستاره‌پرستان کنش تعهدی وجود ندارد. از نظر بسامد کاربرد کنش‌های گفتاری نیز اگرچه کنش اظهاری بیشترین کاربرد را در همه مناظرات داشته؛ اما بسامد آن در هر کدام متفاوت بوده است و بسامد سایر کنش‌ها نیز به تناسب بافت و موقعیت هر مناظره فرق می‌کند. بیشترین کاربرد کنش اظهاری از سوی حضرت ابراهیم^(ع) در مناظره با نمرود و ۵۰ درصد است؛ کنش عاطفی در گفت‌وگو با آزر و ۲۱/۴۲ درصد، کنش اعلامی در گفت‌وگو با ستاره‌پرستان و ۳۰/۴۲ درصد و ترغیبی در مناظره با بت‌پرستان و ۲۹/۴۱ درصد است. به این ترتیب، فرضیه دوم پژوهش که به یکسان نبودن کنش‌های گفتاری در مناظرات مختلف اشاره دارد، تأیید می‌شود.

در بررسی حاضر، کاربرد بالای کنش‌های اظهاری از سوی حضرت ابراهیم^(ع) در همه مناظرات از یکسو فقر تفکر و دیدگاه ضدقهرمان‌ها را نشان می‌دهد که غرور، تعصب و تقلید جای آن را گرفته بود و از سوی دیگر نشان‌دهنده این واقعیت است که این کنش‌های سرشار از اصول توحید ضروری بودند تا مشرکان دست از شرک بردارند و با اصول اعتقادی بیشتر آشنا شوند. میزان بالای کنش عاطفی در گفت‌وگو با آزر نیز نشان‌دهنده ادب و احترام حضرت ابراهیم^(ع) به آزر است و در مناظره با ستاره‌پرستان، کاربرد کنش‌های اعلامی حاکی از آن است که مانور راهبردی «دراماتیک» بودن گفت‌وگو را به‌طور مناسبی نشان دهد و کنش‌های ترغیبی در مناظره با بت‌پرستان برای به فکر واداشتن آن‌ها به‌کار رفته است.

وجود کیفی مرحله نتیجه‌گیری در مراحل چهارگانه استدلال مناظرات حضرت ابراهیم^(ع) درخور تأمل است. این مسئله نشان از تفاوتی است که مدل پرگما - دیالکتیک نتیجه را در بخش دیالکتیک محصور کرده است؛ ولی در این گفت‌وگوهای قرآنی با شکستن این حصار، نگاهی کاربردشناختی برای مرحله نتیجه‌گیری در گفتمان استدلالی قرآن کریم وجود دارد. بنابراین، چنانچه این مدل بخواهد دربرگیرنده همه گفتمان‌های استدلالی باشد باید در مرحله نتیجه‌گیری تعدیل‌هایی را در نظر بگیرد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Paltridge
2. argumentative discourse
3. Van Emereen & Grootendorst
4. speech acts
5. Pragma-dialectic
6. Toulmin
7. *New Rhetoric*
8. Alberesht Titika
9. An ideal model of a critical discussion
10. standpoint
11. confrontation
12. opening
13. argumentation
14. concluding
15. scheme
16. argumentative moves
17. Guy Kook
18. Houtlosser

۷. منابع

- اعتباری، زهرا (۱۳۹۲). *بررسی شاخه‌های استدلال‌ورزی در مبحث حجاب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- پیش‌قدم، محمد و آتیه عطاران (۱۳۹۴). «بررسی کنش گفتاری استدلال در زبان تبلیغات مجلات فارسی و انگلیسی». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۳. صص ۴۵ - ۴۶.
- پیشوایی علوی، محسن و فردین حسین پناهی (۱۳۹۳). «تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره مومنون بر اساس نظریه کنش‌کلامی». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*. ش ۴. صص ۶۵-۹۳.
- تاکی، گیتی (۱۳۸۸). *نقش‌نماهای کلامی گفتمان‌های استدلالی در زبان فارسی*. پایان‌نامه دکتری. زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینی، محمد (۱۳۸۲). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن*. تهران: ققنوس.

- حسینی معصوم، سیدمحمد و عبدالله رادمرد (۱۳۹۳). «تأثیر بافت زمانی مکانی بر کنش گفتار مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۳. صص ۶۵-۹۲.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر اسلامی.
- ضیاحسینی، محمد (۱۳۹۱). *سخن‌کاوی انتقادی*. تهران: رهنما.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۲). *بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم بر اساس نظرات آستین (۱۹۶۲) و سرل (۱۹۶۹)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- گای کوگ (۱۳۸۹). *زبان‌شناسی کاربردی*. ترجمه علی روحانی و محمودرضا زمردیان. چ ۱. تهران: رهنما.
- فلاح‌پور، محمد (۱۳۷۳). «مناظرات ابراهیم خلیل^(ع) در قرآن کریم». *مصباح*. س ۳. ش ۹. صص ۷۹-۱۰۴.
- مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۷۸). *تفسیر نمونه*. ج ۲. چ ۳۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۸۷). *تفسیر نمونه*. ج ۱۳. چ ۳۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ویسی، الخاص و غلامحسن اورکی (۱۳۹۴). «کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه کنش گفتاری». *نهج*. ش ۶۲. صص ۵-۳۰.

References

- Abbasi, M. (2013). *The study of speech acts in the translation of 30th chapter of holy Quran based on Austin (1962) and Searle (1969) theories*. M.A Thesis in general linguistics, Sistan and Baluchestan University. [In Persian].
- Etebari, Z. (2013). *Argumentation theory in critical discourse analysis, an explanation on Argumentation along with a research on prominent argument schemes on the subject of Hijab*. M. A. Thesis in general linguistics. Ferdowsi university of Mashhad. [In Persian]

- Eveline, F. (2011). *Keeping in Touch with Pragma-Dialectic*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Fallah Pour, M. (1995). "Abraham debates in holy Quran". *Mesbah Journal*. Vol. 3. No. 4. Pp. 79-104. [In Persian]
- Hosseini, M. (2012). *Morphology of Quran Stories*. Tehran: Ghoghnus. [In Persian]
- Hosseini-Maasoum S. M. & A. Radmard (2015). "The effect of tempo-spatial context on speech act analysis; comparing the frequency of Speech Acts in Meccan & Medinan Surahs of Holy Quran". *Language Related Research*. Vol. 6. No. 3. Pp. 65-92. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (2008). *Tafsir Nemuneh*. Vol.13, 36th publication. Tehran: Darolketab Islamiyeh. [In Persian].
- -----.(1999). *Tafsir Nemuneh*. Vol.2, 36th publication. Tehran: Darolketab Islamiyeh. [In Persian].
- Paltridge, B. (2006) *Discourse Analysis*. London: Warner Entertainment Company.
- Pishghadam, R. & A. Attaran (2015). "Analyzing argumentation's Speech act advertisements of English and Persian magazines". *Language Related Research*. Vol. 6, No 3. Pp. 45-64 [In Persian]
- Pishvaei Alavi, M. & F. Hosseinpanahi (2014). "Analyzing interrogative propositions in Surah Al-Mu'minoon based on speech act theory". *The Quarterly Journal of Literary-Quranic Researches*. Vol. 2. No. 4. Pp. 65-93. [In Persian]
- Safavi, K. (2010). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Research Center for Islamic Art and Culture.
- Searle, J. (1969) *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Taki, G. (2009). *Discourse Markers of Argumentative Discourse in Persian*. Ph.D. Dissertation in General Linguistics, Allameh Tabatabaei University - Tehran. [In Persian]
- Toulmin, S.E. (1958). *The Uses of Argument*. Cambridge University Press.
- Van Eemeren, F.H.; P. Houtlosser & A. Francisca Snoeck Henkemans (2007). *Argumentative Indicators*. The Netherlands: Springer.
- -----; R. Grootendorst & A.F. Snoeck Henkemans (2002). *Argumentation. Analysis, Evaluation, Presentation*. Mahwah, N.J.: Lawrence Erlbaum Associates.
- Van Emeren, F. H. et al. (2014). *A Handbook of Argumentation Theory*. London: Springer Dordrecht Heidelberg.
- ----- & R. Grootendorst (2004). *A Systematic Theory of Argumentation. The Pragma-dialectic Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- (2010). *Strategic Maneuvering*. London New York: Springer.
- Veisi, E. & Gh. H. Orki (2013). "Semantic functions and illocutionary force of interrogative sentences of Holy Quran according to speech act theory". *Mind*. Vol. 16, Issue.62. Summer. 2013, Pp. 5-30. [In Persian]
- Ziahosseini, S. M. (2012). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Rahnama publishing house. [In Persian]